START

UCLA Reprographic Service

REEL 80

UCLA Reprographic Service

UCLA

Microfilmed 1990

University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804

←— — — — — — — — — — →

6 inches

Reduction Ratio 10:1

UCLA Reprographic Service

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

AIIM

Association for Information and Image Management
1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202

MS303-1980

Centimeter

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 mm

1 2 3 4 5

Inches

MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Los Angeles,
University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections
Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 80

(Richter-Bernburg No. 195)

Author: Anonymous

Title: Mokhtaṣar-e mofīd

30 fols., 218 x 140 mm

H-819

i

Coll. 1117
Ms. 80

[illegible]

THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

Dr. CARO
19 ISFAHAN
MINASI

BLANK PAGES

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله حق حمده والصلوة على نبيه محمد وآله اجمعين اما بعد بدانکه این مختصریست مفید
که حکما از برای نوشیروان عادل از کتاب طب و خواص الاشیا بیرون
آورده اند که اگر روزی او را بیماری واقع شود و حکما حاضر نباشند با این
کتاب علاج کرده شود ان شاء الله تعالی که مفید افتد بالله التوفیق و این کتاب را
بر شانزده باب نهاده اند باب اول در منافع انسان باب دوم در منافع
بهایم باب سیوم در منافع طیور باب چهارم در منافع الاثمار باب پنجم در
منافع الاشجار المثمرة باب ششم در منافع سبزها عام باب هفتم در منافع
بالنیزو وغیره باب هشتم در منافع الخضروات باب نهم در غلات و منافع او

باب دهم در منافع حبوبات باب یازدهم در منافع حشیش باب دوازدهم
در منافع صموغ باب سیزدهم در منافع جواهر باب چهاردهم در منافع
احجار گدازنده باب پانزدهم در منافع احجار ستوده باب شانزدهم
در منافع احجار معدنی باب اول در منافع انسان بدانکه انسان را
حق سبحانه تعالی بیافرید از نطفه چنانکه خواست در وی کرد آورده انواع
چیزها و در اندرون وی دویست و چهل استخوان آفرید و بر استخوان
گوشت آفرید و رگ وی از ان بیرون آورد و بر رگ وی پوست آفرید
و رگ سیصد و شصت آفرید و دل را بر جمله تن شاه آفرید چون دل اندر
صلاح باشد تن فسادپذیر نگردد و همه اعضا بصلاح باشد و چون دل
خلل پذیر گردد همه اعضا فسادپذیر شود و دل همه جانوران در میان سینه
باشد و دل آدمی بسوی چپ باشد و دل معدن جان است و جگر جایگاه
تن و جگر در طبایع جایگاه خون است و حرارت و شجاعت از وی است
و معده انبار تن است و سپرز اندرونی و زهره جایگاه صفرا است و شش
جایگاه بلغم و سپرز جایگاه سودا ایزد تعالی معده مردم را چهار گونه
آفریده است و در وی چهار قوت است یکی از ان جاذبه گویند و دوم را

ماسکه سیوم هاضمه چهارم را ممیزه گویند و این همه بحکمت آفریده شده از دوانش
که جاذبه و ماسکه گویند طعام را در معده بسوزانند و هاضمه قسمت کند و ممیزه
طعام را از معده بیرون آورد با مرانیده و غواسمه و قوت جاذبه از صفرا است و قوت
ماسکه از سودا و قوت هاضمه از دم و از آن ممیزه از بلغم پس ریزد عز و جل این همه
چیزها بطبیعت آدمی بیافریده است و بر وی بسیار فضلها کرده است که بر دیگر حیوانات
نکرده است چون علم و عقل و خرد و نطق و تمیز و آفریدگار را شناسایی و
پرستش کردن اگر صفت های آدمی را که خدای عز و جل آفریده است قصه
بدرازی انجامد بحیث سخن اختصار کردیم والله اعلم خاصیت انسان
اگر موی سر آدمی را بسوزانند و بسرکه ضم کنند و بر سگ گزیده بنهند نافع
باشد و اگر در جراحت بنهند سود مند باشد اگر بسوزنند و بگلاب تر کنند و بر ناف
زن نهند در ساعت از حمل فارغ شود و اگر موی سر آدمی را همچنان تر
تر کنند و بر زخم سگ دیوانه نهند درد بنشاند اگر مغز سر آدمی بر گزندگی مار
نهند در ساعت درد بنشاند و اگر بوی خوش بیامیزند هر که از آن بوی
بشنود تابع دارنده گردد اگر استخوان مرده را بسوزانند و در بواسیر طلا
کنند ظاهر و باطن را نیست گرداند و منفعت کند اگر نهان باشند دردی نباشد

اگر کله سر آدمی را بگیرند و گل را در آنجا کنند و تخم شاهسفرم در وی بکارند و آب دهند
آدمی در وی کنند و چون از آن بروید پس از آن شاهسفرم هر که با خود دارد
هر که از آن بشنود مطیع دارنده شود اگر لعاب دهان آدمی را در ریش
و گزندگی مردم را سود دارد و منفعت کند و لعاب آدمی بر همه گزندگان
زهر است خاصه که مرد گرسنه یا تشنه باشد اگر ریم گوش آدمی را در شراب
اندازند هر که بخورد بیهوش شود و اگر خون آدمی را که از حجامت بیرون آید
بیارند و آب و حبه و تر کنند با آب سداب غسل کنند و جراحتهایی که بر تن بود
بمانند خاصه بر ساق و جراحت های نهانی که از او خوناب آید برو
پر کنند شفا یابد بفرمان خدای تعالی اگر ریم گوش آدمی با فلفل در چشم
کشند کور شود و اگر با نوشادر و ملح در چشم کشند روشنایی بیفزاید اگر
دانگی بزر نشاد با یک درم سنگ خون آدمی معجون کنند و قبه مس بیارند و با
خود دارند همه خلایق محب او شوند و جنگ کسی که چنین کنند اگر خون آدمی
در جایی کنند همه کیکان آنجا گرد آیند و اگر در چراغدان کنند بجوی روغن
بسوزد و اگر منی مردم بر جرم کلف و بهق مالند سود دارد اگر منی مردم
بسنجد و شکوفه او بیامیزد و با خود دارد هر که آن بوی بشنود تابع دارنده

گربه مینی را به بینه بگیرد و خشک کند و بسایند و آنرا چون سرمه در چشم کشند تمام
خواب مطیع فاعل شود و این همه مجربست و یحیی ماسویه گوید که زهره آدمی را
بشیر گاو بیامیزند یا زهر شود اگر زهره آدمی را بگیرد و خشک کند و خرد بساید
و در چشم کشند سفیدی را ببرد اگر پیه آدمی را بگدازد و در چراغ کند هر جا که
فروزند چراغ بمیرد مگر آنجا که گنج باشد و اگر از شیر آدمی روغن گیرند همین
فعل کند اگر بول آدمی بکسی دهند که دیوانه باشد چون بخورد به شود و اگر رجیع
آدمی را خشک کنند و بسداب خشک بیامیزند هر جا که خورده باشد تریب
آدمی پراکنند سود دارد و گوشت برآرد اگر رجیع آدمی را با نمک با هم
بسایند و درنی کنند و در چشم چهارپایانی که سفیدی افتاده باشد بدمند
را ببرد اگر رجیع خشک با عسل معجون کنند و بر گردن خداوند خناق بمالند
شفا یابد اگر کرم که از درون آدمی بیرون آید در سایه خشک کنند و بسایند
و در چشم کشند سفیدی را ببرد اگر به هم ماهی آدمی در طعام بخورد محب فاعل
شود و موی زنان را عجب خاصیتست که چون در آب استاده افکنند
موی سفید شود و بمدت یک سال نیک شود اگر موی زنان با سرکه تر کنند
و بر گزندگی سگ دیوانه و غیره بمالند سود دارد و موی زن و مرد و کودک

همین فعل

همین فعل دارد اگر بول زن را در چشم مالند آب دویدن باز دارد و اگر جامه حیض زنان
که یکبار حیض دیده باشد در میان کشت دار نهند هیچ آفت سماوی و غیره نرسد
اگر کسی همان جامه را بالای خرمن بیاویزد هیچ مورچه دانه از آن خرمن
نتواند گرفت و اگر زنی بر کمیز کودک کمیز کند آبستن نشود و اگر کسی خواهد
که بداند در شکم زن پسر است یا دختر آن زن را بنماید فرمود تا بسر در آب
دوشد اگر در سر آب آید دختر باشد و اگر در زیر آب رود پسر باشد
و بقول دیگر اگر سرخ رنگ باشد پسر باشد و اگر سیاهی زند دختر باشد
اگر کمیز کودک آب دویدن باز دارد و اگر خاک زر بسوزانند و خاکستر او
با کمیز کودک نارسیده مرهم کنند و بر جراحت بندند درست شود و اگر بوی آن
کودک را در جرم گرفته زنی با خود دارد آبستن نشود و اگر ناف که از کودک
بیفتد کسی با خود دارد از قولنج ایمن شود و اگر پوست قضیب ختنه کرده
خشک کنند و کسی را که نعوظ نباشد [illegible] باشد بدهند تا باشد نافع باشد
و اگر بوی خوش بیامیزد و با خود دارد هر که بوی آن بشنود مطیع و ارادت
گردد و اگر سرگین کودک که از مادر جدا شود بگیرد و خشک کند و خرد بساید
و در چشم کشد سفیدی و شب کوری ببرد و بابت دوم بهایم شیر و فیل و پلنگ

وکرک و خوک و کفتار و بز و اسب و شتر و خر و گورخر و گاو و گاو و ساله و گاو کوهی
و گوسفند و بزغاله و نخچیر و آهو و خرگوش و سگ و روباه و شغال و گربه و
خلایت و موش و سمور و خفاش و راسو خاصیت شیر اگر پیه شیر بر تن
بندد سود دارد اگر پیه شیر در خود مالند دد و دام نزدیک او نرود و اگر پیه شیر
در دست و پا بمالند گرما و سرما باز دارد و هر جای که موی رفته باشد بمالند موی
برآرد اگر شیر شیر در گوشش چکانند کری را ببرد هر که دل شیر بخورد دلیر
گردد و هیبتش عظیم باشد اگر سر شیر با سیر بکوبند و در خود مالند هیچ درنده
نزدیک او نیاید و اگر سرگین شیر و اندک درم کسی را در می دهند شراب
را دشمن گردد موی شیر هر جا که بنهند مگس از آنجا بگریزد اگر زهره شیر
خورد دلیر و خونریز گردد چنانکه از وی کارها دلیر و خطرناک آید اگر زهره شیر را در
چشم کشند هرگز درد چشم نشود و اگر زهره شیر و زهره گرگ در هم کرده با خود
نگاه دارد محبوب جمیع خلایق گردد اگر پوست چشم خانه شیر را با خود دارد در میان
خلایق با هیبت و شکوه باشد اگر دیده شیر را با خود دارد همه دد و دام از وی
بگریزد اگر پیه و پیه ابروی شیر بگیرند و بر روغن گرگ انداخته بر روی مالد محبوب
خلایق گردد و هیبت افزاید اگر دندان شیر با خود شب روی دلیر باشد و از [illegible]

نترسند

نترسند اگر چنگال شیر در جایی بیاویزند هیچ دد و دام نزدیک آن حوالی نرود
اگر موی شیر را زیر جای او بنهند دود کنند نافع باشد و اگر در خانه باشند [illegible] ویران
خانه [illegible] شود اگر گوشت شیر خورد دلیر شود و ناهموار گردد و هیچ مردی یا هیبت او را
بر زمین نیارد و هر که سر خود با پیه شیر بمالد نیکو شود اگر خایه شیر با خود دارد
در میان خلق با هیبت باشد اگر گوشت شیر در آب بمالند و آن آب بر اندام
طلا کنند شیر نزدیک او نیاید و اگر پیه شیر که میان دو چشم او باشد یا بر روغن
گل بگدازند و آن روغن بر روی مالند هر که او را ببیند بترسد و اگر دندان شیر
بر کودک ببندند دندان کودک باسانی برآید و اگر ناخن شیر در گردن کودک
ببندند در شب نترسد و اگر کسی بر پوست شیر نشیند [illegible] انجمن باشد و اگر پوست
شیر دود کنند روباه و شغال از آنجا بگریزند اگر مغز شیر در فندق کنند و در گوش
کر شده چکانند شنوا شود اگر خون شیر خشک کنند و بر اندام کنند [illegible] باشند
پاک گرداند خاصیت پیل جالینوس حکیم گوید که یک هفته هر روز [illegible] درم
پیه پیل بخورد فربه شود و اگر زهره پیل را خشک کرده در چشم کشند سپیده کهنه
را ببرد و اگر ناخن پیل را صاحب تب [illegible] یکبار در مقعد خود دود کند تب [illegible]
او ببرد و اگر زنی در هنگام [illegible] سرگین پیل [illegible]

بکیرد و شوهر از او ننک کرده و هرکز باز نکیرد و اکر سرکین پیل بر اندام مالند سبب شپش
بمیرد و اکر سرکین پیل را دود کنند پشه از انجا برود و اکر کسی را آغاز جذام بود ده درم
استخوان پیل بساید و باب شعیر بخورد علت باز نشود اکر علاج را بر شاخ کاو
بندند هیچ درد کزنده نزدیک او نشود اکر زنی کوشت فیل را در شراب بخورد
شب و روز بخسپند که بیدار نشود اکر نعلک دهان فیل برازان با خود دارد هرکز آتشش
نشود اکر ناخن پیل را خداوند باسور با خود دارد یا دود کند در زیر خود شفا یابد
اکر سرکین فیل بر اندام اندازند چندانکه بکریزند خاصیت پلنک اکر کسی زهره و
پلنک بخورد فربه و دلیر و با قوت شود اکر کوشت پلنک با روغن فرسون بپزد
و بر ریشها نهند نافع باشد اکر سوفار خرمابن باید در کوشت پر اکنند و پلنک
را بخورد بمیرد و اکر از پوست پلنک کمر کنند و در میان بندند با هرکه جنک کنند
ظفر یابند اکر ناف پلنک با خود دارد سک بروی بانک نکند و اکر حمایل کنند
و بر کردن بندد از چشم بد دور باشد اکر زهره پلنک در خانه دود کنند کژدم
از انجا بکریزد اکر پیه پلنک در خانه دود کنند موش که در ان خانه و حوالی آن
باشند همه کرد آیند اکر دندان پلنک را بدندان موش خورد کنند زهر
قاتل کردد اکر مهره پلنک با خود دارد هرکز از وی فرزند نیاید و اکر زنی از وی [illegible]

قدری بخورد هرکز آبستن نشود اکر قدری ازان بر ریشهای پلید نهند در [illegible]
شود و لیکن بعد ازان ازو فرزند نیاید هرکه با خود دارد هیبت او افزاید اکر زهره
پلنک کسی را دهی در ساعت هلاک شود علاج وی پنیر و سداب هرکه کوشت
و پیه پلنک در آب زیتون بجوشانند بر ریشش تیغ و تبر بمالد در حال به شود
هرکه پوست پلنک را دود کند موش از انخانه دور شود اکر کس پلنک
با خود داری هیچ کس و سک جز تو بانک نتواند کرد و اکر بر کودک بندی
هرکز او را چشم زخم نرسد خاصیت کرک اکر دندان کرک در کردن کودک
بندند هرکز او را صرع نیاید اکر دندان پیش کرک با روغن یاسمین فکنند
چند روز و بعد ازان در قضیب مالند با هرکه مجامعت کنند دوستی افزاید
بیرون از حد و اکر ازان بروغن بروی مالد بر همه کس عزیز باشد و مقضی الحاجات
کردد اکر دندان کرک با خود دارد سک بروی بانک نکند و اکر دندان کرک
را در پوست شیر کرفته در کردن اسپ بندد از همه اسپان در دویدن
بیشتر کردد چنانکه اسپی با و نتواند دوید اکر کسی خواهد که خصم او از
اسپ بیفتد کو دندان کرک ازان طرف که اسپ او ایستاده باشد در
خاک میدان بباید کرد چون او آنجا رسد فی الحال بیفتد هرکه با خود دارد

ار هیچکس دود و دوام او را بیم نبود و چون خود کردن کودک بیاویزند بشب نترسد
اگر دندان گرگ با غوره بسایند و در چشم کشند روشن شود و تاریکی ببرد و آب
باز دارد و اگر از پوست گرگ کمر سازند و در میان بندند دلیر شود خاصه بشب اگر
از پوست گرگ زه کمان سازند و از آن تیر اندازند هر کمان که آنجا حاضر باشد
زه بگسلاند اگر پوست گرگ را شیاف کنند قولنج را بگشاید اگر خون گرگ را
در شاخ گاو کنند و در گردن گوسفند که در پیش گله رود بیاویزند گرگان همه
از حوالی گله بگریزند اگر پیه گرگ را بر قضیب مالند و مجامعت کنند دوستی افزاید
اگر پیه گرگ در دست مالند و بر زن خفته نهند و بگویند که مرا خبر ده از فلان سخن
فی الحال در سخن آید و از آن خبر دهد بی آنکه او را خبر باشد اگر خداوند قولنج
سرگین گرگ را بخورد نافع باشد اگر سرگین گرگ را در پوست پاره کنند
و با خود دارند نقرس را سود دارد و اگر سرگین را با انگبین و روغن گاو
بیامیزند و یک بلیچه از آن بخورند قولنج را سود دارد اگر قضیب گرگ را
خرد کنند و گاه مجامعت نخودی با دهان تر کرده در ذکر بمالند با هر که مجامعت
کند عزیز تر از و پیش آن کس کسی نباشد و اگر در دیگ بریان کرده پاره
از آن بخورد مجامعت را قوت دهد و اگر قضیب گرگ را بنام هر زنی گره بزنی

تا آن گره بسته باشد هیچ مرد گرد آن زن نتواند گشت مگر که آن را بگشایند
اگر چنگال گرگ را در بالین کودک نهند نترسد و دلیر شود اگر یک شاخ از دم
گرگ در گوش کسی نهند مستی باز دارد و اگر شش گرگ را بگیرد و
خشک کند با گشنیز بیامیزد و بساید کسی را دهد که درد دل باشد نافع
بود اگر زهره گرگ را بگیرد و خشک کند و با انگبین بر جراحت نهند سود دارد
اگر زهره گرگ با روغن یاسمین بگدازند و بنام کسی از آن قطره بر
ابرو بمالد چون آن کس او را ببیند فتنه و آشوب او شود و بیقرار گردد
و اگر زهره گرگ را بر ذکر طلا کنند و بر روغن گل بر ذکر مالند و با زن جماع
کنند بار گیرد و اگر خایه گرگ را بگیرد و بشکافد و نمک پر کند و هر گاه درد پهلو
بود یک مثقال از آن بخورد شفا یابد اگر خایه گرگ بگیرد و بر روغن زیت در
شیشه کند و سر شیشه را محکم بندد و در هنگام مجامعت از آن روغن بر ذکر
مالد با هر که مجامعت کند آن کس چیزی دیگر نخواهد اگر کعب پای گرگ را
بر نیزه بسته بر خصم حمله کند بر وی ظفر یابد و هیچکس با وی مخاصمت نتواند کرد
اگر زبان و پوست گرگ بر کودکی بندد از صرع باز دارد و اگر زهره گرگ با
در چشم کشند شب کوری را ببرد و دفع نزول آب کند اگر ذکر او را

DR. CARO
19 ISFAHAN 35
MINASIAN

مجامعت طلا کنند آن زن لذت عظیم یابد از وی صبر نتواند کرد بدوستی اگر دندان نیز
گرگ در پوست گاو کوهی گیرد و بر گردن اسپ بندد هیچ اسپ با وی پیش نتواند
برد اگر پوست گرگ بر دفی بندند اگر میان صد دف بزنند همه دریده شود اگر زهره
گرگ و زهره روباه و زهره گربه سیاه و زهره خروس سفید و زهره گاو در
جمله را با هم بیامیزد و بصاحب علت سودا دهند شفا یابد اگر خون گرگ با روغن
جوز بیامیزند و در گوش افکنند گری را ببرد و زایل کند و دیگر ذکر گرگ را پیش
از آنکه روح از وی جدا شود بیرون کنند بنام زنی که خواهند گرهی بر وی زنند
هیچ مردی بر آن زن قادر نشود تا آن گره بگشاید اگر قضیب گرگ خشک
کنند و بوقت حاجت در زکر مالد و مجامعت کند آن عورت جز او دیگر را
نخواهد هر که از پوست گرگ زه کمان سازد و چاشنی دهد هر زهی که از آن
چرم در کمان دیگر باشد جمله بگسلد هر که از پای گرگ بر گذرگاه زنان که آب
می آیند و میروند خللی بکند هیچ سبوی بسلامت بخانه نبرند اگر دندان گرگ
در روغن یاسمین افکنی و آن روغن بر وقت مجامعت بقضیب مالی آن
زن بر تو عاشق گردد اگر ناخن های گرگ و چشمهای او و قدری از مو
تعویذ کنند و با خود دارد بر خصمان مظفر شود و در دلها محبوب گردد و هر

چیز نباشد اگر زهره چغد را کسی دهی تا بخورد بمیرد بجای زهر است اگر پیه
... ریک و یک مانند هر چند که آتش کنند و یک بجوشد خاصیت زغن
اگر پوست زغن را بر چشم ناخفته نهند سود دارد اگر زهره او را زن با بستن
بخورد بچه افتد اگر چنگال او را بر کودک بندند از ترس ایمن گردد خاصیت
کلاغ اگر زهره کلاغ با زهره گربه سیاه بیامیزند و در بینی کسی بدمند
... اگر موی سفید شود اگر خایه کلاغ چهل روز در سرگین اسپ کنند
... نگهدارد و سیاه شود آنگاه بیرون آورند و بر موی سفید مالند سیاه
شود اگر کسی گوشت او را بخورد باد را بشکند و جادوی بر وی کار نکند و
اگر کرده باشد باطل شود هر که دل او را در شراب اندازد و هر که بخورد عاشق
... گردد خاصیت کلاغ سیاه اگر کسی خون کلاغ سیاه بخورد باد در دست
سود دارد اگر کسی پیه او را در پیشانی مالد در پیش همه خلایق عزیز باشد
کسی خایه کلاغ سیاه را با خود دارد جادو را باطل کند و دیگر بر وی
... نکند اگر سرگین او خداوند سرفه با خود دارد نافع باشد اگر زهره او را
... بر موی مالند سیاه شود اگر زهره زاغ سیاه با روغن بادام بیامیزد
و در بینی چکاند موی سیاه شود و هرگز سپید نگردد و سپید هر نیاید

اگر کسی را چشم ضعیف شده باشد و برابر چشم او خیال نماید که مگس می پرد
کلاغ سیاه یکجزو و یکجزو عسل بیامیزد و در چشم کشد آن علت زایل شود
اگر زاغ سیاه را بسوزند و با روغن در سر طلا کنند موی زود بروید و دراز
گردد و اگر دل کلاغ سیاه خشک کنند و نیک بسایند و در تموز اگر کسی
از آن با آب بخورد یکماه او را با آب حاجت نباشد اگر دل و زبان زاغ
سیاه بسایند خشک کنند و در شراب افکنند بنام هر که خواهد چون آن
کس از آن شراب خورد آن کس او را بغایت دوست دارد خاصیت
عکه اگر استخوان عکه را با غالیه آمیخته با خود دارد هر که بوی آن شنود
محبت دارنده شود اگر مغز او را [illegible] کنند و بر پیکان خورده مالد [illegible]
پیکان بدر آید اگر مغز او را با روغن گل بگدازند و در چشم کشند شب کوری
را دور کند اگر زهره او را کسی بخورد مجنون شود خاصیت هدهد اگر کسی
سرگین هدهد را با خویش با روغن یاسمین بجوشانند و در گوش چکانند
کری را دور کند اگر کسی چشم او را با خود نگاه دارد در پیش همه خلایق
عزیز و مکرم باشد اگر چشم او را بر تختی بیاویزند هیچکس بر آن تخت
نتواند خفت اگر کسی تاج او را با خود نگاه دارد مقضی الحاجات گردد

[illegible] زبان او را با دهان او با خود نگاه دارد تیز زبان گردد اگر با [illegible]
حفظ را زیادت کند اگر پر او را با خود دارد حاجت مند نگردد و از خلق
بی نیاز گردد و اگر کسی پر او را بر کسی بندد که او را تب چهارم باشد
[illegible]ن تب زایل شود اگر دل او را کسی بخورد یا بر خود دارد پر شهوت
[illegible] در گردد اگر دل و زبان او با دل ضفدع در پوست ضفدع گیرند و با خود
[illegible]ارند محبوب شهوت گردند اگر جگر او را بسایند و در چشم کشند چون
چشم هر کس باز کنند محبت افزای شود اگر دل هدهد بر دل خفته نهند هر چه
در دل دارد بگوید اگر کسی دماغ بخورد مهربان فاعل گردد اگر مغز او را در
چشم کشند هر که نظر کنند محبوب او شود اگر زهره او را خشک کنند و با
روغن کنجد بر فی دمند تا بخورد حیض او منقطع شود اگر پوست او را
با خود نگاه دارد درد سر برد اگر چنگال او را در گلو مالند درد زایل کند اگر
بر کسی مالند مهربان گردد اگر خون او را در چشم کشند سپیده را ببرد
[illegible] خون او را با غالیه بر کسی مالند محبت افزاید اگر استخوان او را
پخته پاره سازند و در آب اندازند هر کدام بر روی آب برآید با خود داشتن
آن محبت افزاید استخوان پای او را [illegible] که حفظ [illegible] باشد

ل آید اگر استخوان با مشک بیامیزند و با خود دارد زبان بدگویان بسته
بر وی کار نکند اگر کسی پای چپ بلبل را با پای چپ هدهد در زر گیرند و در
بازو بندد و مجلس او را بر زمین نتوانند زد و اگر کسی گوشت او را بخورد دیر
گرسنه گردد اگر زهره او را با غالیه بسایند و با خود دارند هر که بوی آن بشنود
محبت دارنده شود اگر زهره او را با جگر مشک بسوزانند و با بول کودک صغیر
و شیاف کنند سپیده چشم را ببرد و اگر کسی سرگین او را و کبوتر و سرگین
خروس را بجوشانند و خشک سازند بر روی ... را سود دارد اگر کسی پر هدهد
موی خوک و برگ رز همه در پاره کوبند که از کفن مرده مانده باشد و زیر خفته
نهند بیدار نشود اگر کسی خواهد که کسی را از خواب برخیزد پر هدهد از راست
در زیر سر وی نهند بیدار نشود تا که نهاده باشد اگر پر هدهد از جانب چپ بر
پهلو خود ببندند چنانکه خواهد جماع کند اگر مغز سر هدهد بر بازو ببندند هیچ
سخن از یاد وی نرود اگر چشمش پنهان در ... کتان بندد و در خانه
خشتی کند هیچ کس در آن خانه نتواند خفتن اگر خواب کسی بندد چشم هدهد
برکن اگر مرد باشد چپ راست و اگر زن باشد چپ بنام آن کس در پهلو
بیاویزد بسته شود اگر زبانش تعویذ با خود دارد هیچ خصم با وی کار نکند

وزنان

در زبان سلطان و بزرگان و حسودان بر وی بسته گردد و اگر کسی
هدهد بسوزد و در بازو بندد و هیچ کس با او خصومت نکند مجرب است اگر هدهد یکشنبه
و در میان ملک بسیر با جگ نهند بسوزد تا هر جا که دود او برود جادو 19
دفع گردد اگر دل هدهد بخورد هر چه خواهد در خواب بیند هر که دلش در شیشه
بندد هر که او را بیند دوستدار وی گردد اگر زبان زیر نگین ... بستانند و
زبانش در تعویذ با خود دارد چنانکه خواهد جماعت کند اگر روده هدهد روز
یکشنبه خشک کند با جوزه یکجا سازد زحمتی چون فرود تا ده سال زحمت
نشود اگر استخوان بازوی چپ هدهد روز یکشنبه بگیرد در خانه هر که اندازد
آن خانه ویران شود خاصیت کبوتر اگر خون کبوتر بچه را بچشم اندر کشند درد
را ببرد و اگر پیش از درد بکشند هرگز درد نکند اگر خون کبوتر بچه را با آرد جو
و قطران یکجا کرده در ... و بهق مالند سود دارد اگر خون او را در سایه خشک
کنند و با شکر بخورند معده را قوی کند و درد معده را ببرد اگر در سایه خشک کنند
و در چشم کشند تاریکی را ببرد اگر خون او را با سرکه مرهم ریش کنند سود
دارد و چون بر چشم طلا کنند تاریکی را سود دارد اگر استخوان او را
سوخته بر بهق طلا کنند تاریکی را سود دارد اگر استخوان او را سوخته بر

باشد ... طبع باشد اگر سرگین او را بر رنگهای جامه مالند ببرد اگر سرگین او و
او را ببرد و برابر با نکبین در ذکر طلا کنند مجامعت را قوت دهد اگر سرگین او را
با آب بخیسند در موی مالند سیاه گردد اگر قدری سرگین او را با زرد آرد باقلی باهم
کرده بر زهار طلا کنند بول گرفتگی و درد زهار را ببرد اگر کسی گوشت کبوتر خورد
بادهای گرم بشکند اگر کسی گوشت کبوتر بچه خورد سردیها را ببرد اگر استخوان
او را بگیرند با باقلی بخورند سرفه را سود دارد اگر کسی چشم کبوتر را بخورد کور
شود اگر خون کبوتر خشک کنند و با سرکه در برص مالند برص را ببرد اگر خون
بال بچه کبوتر در چشم بچکانند ناخنه و زخمی که در چشم جمع شده باشد دفع
کند اگر پیخال کبوتر عودی که درد زه گرفته باشد دود کنند باسانی برآید اگر
خون بال کبوتر که نو بر آورده باشد در چشم کشند شب کوری را دفع کند اگر
زهره کبوتر در چشم کشند شب کوری را ببرد خاصیت کبک اگر خون
کبک را با شیر بز بیامیزند و بر بهق مالند سود دارد و اگر کسی بخورد باد گرم
را بشکند اگر بیضه کبک را بگیرند و در حالت مجامعت بر ران زن مالند
آن زن محب فاعل گردد و اگر زهره او را در چشم کشند شب کوری را ببرد
اگر پیه او را در گردن مالند قوت افزاید اگر پیه او را بر سر طاسرده مالند سود دارد

اگر پیخال

واگر پیخال کبک با مروارید ریزه بسایند و در چشم کشند سپیدی و ...
اگر خون کبک بر سپیدی ما ... سپیدی ببرد و اگر زهره کبک صاحب علت کرد ...
را بوی نیکو شود و اگر گوشت کبک بخورد هرچند که شراب بخورد مست نشود
خاصیت قمری اگر دل قمری را با دل هدهد با خود دارد پیش همه کس عزیز باشد
و او مبارک است و بیدار صبح وقت تمام آواز کند خاصیت خروس اگر کسی
را اسپ مانده شده باشد جوزه خروس را بکشند و گرم در دهان اسپ نهند
ماندگی از و ببرد و اگر خروس را بسوزانند و خاکسترش را در جامه خواب
بخورد مجامعت را سود دارد و اگر خروس را در خانه نگاه دارند مار بگریزد و اگر
مغز او را و مغز ساق را خشک کنند و در چشم کشند هر که او را بیند دوست
دارد اگر مغز او را با روغن یاسمین بر قضیب طلا کنند با هر که مجامعت کند
دوستی بیفزاید اگر خون خروس خشک کرده در طعامی کنند و بکس دهند
تا بخورد و اگر بسیار گو باشد زبان او بسته شود و اگر ناخن پای خروس
را با خود دارد با هر که مجادله کند ظفر یابد و اگر خار پای خروس را بسوزند و بخور دهند
خانه آن او را خواب نیاید اگر استخوان پای او را بریان کنند و با نمک
هندی بسایند بر جایگاه آزرده نهند درست گردد اگر بازوی راست او را

Dr. CARO MINASIAN ISFAHAN 1935

... بی عیب خداوند تب ... باز دارد اگر زهره خروس سفید
با روغن ... و آب گرم بیامیزند و بخورند دل گرفته را سود دارد اگر زهره
خروس را خشک کرده نیکو بکوبند و در چشم کشند آب دویدن را باز دارد
سنگهایی آسمانگون که در سنگدانه مرغ می‌باشد بر مجنون بندند نیکو شود
و اگر مردی بر خود دارد قوت باه و شهوت افزاید اگر خون خروس سفید
با عسل بیامیزند و بر آتش نهند تا گرم شود و بر قضیب مالد لذت عظیم دهد
اگر تاج خروس سفید در خانه باشد دیو در آن خانه زحمت ندهد اگر در
کاروانی باشد شیر نزدیک آن کاروان نیاید اگر پیه مرغ خانگی بگدازند
و با آب پیاز در گوش چکانند درد را دفع کند خاصیت ماکیان اگر منقار
ماکیان را با سرگین دود کنند و پیه ماکیان [illegible] سود دارد و اگر با سرکه و عسل
بخورند قولنج را سود دارد اگر پیه ماکیان را بگدازند و با آب پیاز در
گوش چکانند درد را ببرد اگر پیه او را و خایه مرغ را با روغن گل مرهم کنند
و بر آماس مالند بنشاند اگر پیه او را بگدازند و با روغن بنفشه در بینی
چکانند درد را ساکن کند اگر پیه ماکیان سرخ و ماکیان سیاه که در وی
هیچ رنگی نباشد در قضیب مالد با هر که مجامعت کند آن کس با دیگری نتواند

... کرد اگر خایه مرغ را گرم کنند و بیاشامند درد گلو را سود و آواز
را بیفزاید اگر زرده خایه مرغ را بخورند معده را قوی کند اگر کسی را شکم 12
برآمده باشد چون خانه مرغ را با سرکه تر بکنند و بخورند سود دارد اگر کسی
زرده تخم مرغ را بخورد و آب [illegible] بیفزاید اگر استخوان او را بسوزانند و با ...
و بر سوختگی جراحت کنند سود دارد اگر زهره او را با مرداسنگ بیامیزند
بوقت حاجت بر قضیب مالند مفعول عظیم عاشق فاعل گردد چنانکه بعد از آن
هیچکس دیگر را نخواهد جز او اگر پیه ماکیان سیاه بگیرند و در چشم کشند او را
درد چشم نیاید خاصیت بط جالینوس حکیم گوید که گوشت بط گرم و تر است
و [illegible] گران [illegible] که در آب باشد اگر او را با پیاز بخورند تا فربه شود
اگر پیه او را بر بهق مالند ببرد اگر استخوان پای او را بگیرند و بکوبند و بر
سوختگی مالند سود دارد و اگر پیه او را در کلف مالند سود دارد و اگر پیه او را
با روغن یاسمین بگدازند و قطره از آن در گوش چکانند به همه عمر کر نشود اگر پیه
بط با روغن بیامیزند و بفروزند جمله زنان بروی خود [illegible] بینند اگر استخوان
[illegible] که در بال بط می‌باشد با خود دارد از جمله اوجاع ایمن باشد خاصیت
موسیچه اگر کسی گوشت موسیچه را بخورد باد القوه را ببرد اگر [illegible]

برهنه کرده بخورند باد فتق را سود دارد و اگر پیه او را با روغن گل بیامیزد
و شب بینی را چرب کنند خشکی مغز را ببرد خاصیت تذرو اگر تذرو را بریان
کنند آن روغن که ازو بیاید صافی کنند و بخورند مجامعت را قوت دهد و
اندامها را نرم کند و گونه رویها را نیکو کند و گوشت او بهترین گوشتها است
اگر پیه او را بگدازند و در گوش چکانند درد گوش را ببرد اگر مغز او را در دیگها نهند
هرگز درد نکند اگر پر او را بسوزانند و با گلاب تر کنند و بر سر نهند درد شقیقه
را ببرد خاصیت باشه اگر استخوان باشه را بسوزند و خاکستر آنرا بر جراحت
نهند سود دارد و درست شود اگر گوشت او را با پیه دانه بجوشانند و بزیره
برابر کنند و زنی را دهند تا بخورد حیض ازو پاک شود اگر چنگال او را بر
گودک حمایل کنند بشب نترسد اگر پر او را در زیر بالش نهند خواب خوش
آرد خاصیت تویه نخت اگر استخوان تویه نخت را سوراخ کنند
و بر بازو بندند پیش همه کس عزیز باشد و با حرمت اگر بنام کسی بسوزانند
مطیع فاعل گردد اگر خون او را با شکر بدهند تا بخورد دوست گردد
اگر خون او را با آب دهند بخورد کسی که بگیرد رم سنگ از آن بخورد بکمیز بریزد
بگشاید اگر گوشت او را خشک کرده بخورد مطیع فاعل شود اگر مغز او را

با غالیه

با غالیه آمیخته بدماغ کسی برساند محبت فاعل شود خاصیت عصفور
13 کسی گوشت عصافیر بخورد بادها را بشکند اگر خون او را در طعام کنند و
بخورد کسی دهند بسیار اندیشه گردد خاصیت خطاف یعنی فراستک
اگر خون خطاف در قضیب مالند با هر زنی که مجامعت کند عزیز ازو کسی دیگر
نخواهد بود اگر بچه خطاف را پیش از آنکه پر کند بگیرند و بکشند و خون او را
بکس دهند تا بخورد محبت فاعل شود اگر خون او را خشک کرده با غالیه بیامیزند
و با خود نگاه دارند موی او بهر که رسد محبت فاعل شود اگر خون او را با سر
موش با هم بیامیزند در خانه خاندان دفن کنند باندک روزگار خراب شود
اگر خایه او را با روغن بنفشه در شکنند و بهم آمیزند و بزن حامله دهند تا بخورد
زادنش آسان باشد اگر زنی گوشت او را بخورد از حیض پاک شود اگر شکنبه
او را ببک کزیره دهند تا بخورد شفا یابد اگر زهره او را در بینی چکانند موی ریش
سیاه کند و در وقت این عمل دهان پوشیده دارند وگرنه دندان سیاه
شود اگر چشم او را بسایند و در شراب بخورند هرگز خواب نیاید اگر سنگ پیچال فراستک
بر دنبل مالند سود دارد اگر خون فراستک عورت بخورد شهوت او بریزد
اگر هر دو چشم بر تختی آویزند هر که بر آن تخت بخسبد خواب نیاید اگر در زیر

ن یا یا نرد هم بچه فراشتک بگیرد و شکم پاره کنند و سنگ در شکم او
بود یک رنگ گوناگون آنرا در پوست گاو گیرند بر بازوی مصروع
بندد بکل دفع شود خاصیت همای اگر زهره همای را با زهره موش و مرغابی
بهم بسایند و در چشم کشند بخار پاک کند و آب ریختن باز دارد اگر زهره او را
از سر فرو آورند درد چشم را ببرد اگر مغز سر همای و مغز سر کلاغ سیاه
و مغز شقراق و مغز گربه سیاه را خشک کنند و بسایند و سرمه دان کنند
از آن در چشم کشند چینا نرا به بینند اگر پر او را در خانه دود کنند مار و کژدم
بگریزند خاصیت مرغابی اگر استخوان مرغابی که در پشت میباشد بر زخم
شمشیر و کارد پیراکنند به شود و اگر خون مرغابی با آب نمک سنگ بخورند
سنگ مثانه را دفع کند خاصیت مگس اگر کسی موی زیادتی ملک بکند
و سر مگس مالد باز دیگر موی برنیاید اگر کسی را کژدم گزیده باشد مگس را
بر جراحت نیش کژدم مالد زهر او ببرد و اگر کسی مگس زنده در پارچه جامه
کنند و از بازوی کسی بندد که درد چشم دارد درد چشم بیاز آید خاصیت
عنکبوت اگر عنکبوت گوسفند بخورد فربه شود خاصیت ملخ اگر ملخ دود کنند
عسر بول ببرد خاصیت کلاک اگر زهره او کسی بخورد هلاک شود و اگر

14
ثعلبه اورا بریان کنند و با روغن گاو بسرکه بخورند همه دردها ز
اگر زهره او را بجای گزیده دهند سود دارد و اگر خایه او را چهل روز در سرکین
اسب بمالند و در موی مالند سیاه شود خاصیت عندلیب اگر کسی
عندلیب را بریان کرده بخورد مجامعت را قوت دهد اگر کسی گوشت او را
خشک کند و با روغن بیامیزد و زن بردارد کودک از وی جدا شود اگر کسی
گوشت او را بخورد بسیار گوی و سلیقه گردد اگر خون او خورد حافظ و زیرک
شود اگر خون او را بسایه خشک کرده و با گلاب آمیخته در بینی افکند خون
باز ایستد اگر استخوان او را بر کودک بندند از چشم زخم ایمن گردد
خاصیت گنجشک اگر کسی او را بریان کند و بوره ارمنی بر آن ریزد
و چند هفته بشیرینی بخورد فربه شود و قوی گردد اگر زهره او را با عسل بر
ذکر مالد زن بی آرام شود و اگر زهره او را بانه گرمالند و با زن صحبت
دارند آبستن شود اگر چنگال او را بسرکه بجوشانند و آب بیاز بر کف
مالند بیک هفته پاک گردد اگر بچه او را پیش از موی برآوردن با روغن
کنجد بریان کرده بخورد آب پشت بیفزاید اگر بچه او را زنده بر کنده
در خانه زنبوران بیاویزند تا بمیرد پس بروغن گاو بریان کنند و در وقت

ـلی جاحت بر کف پای مالند نافع باشد اگر مغز سر گنجشک را به اروغن
بجوشاند و آب تشبت بیفزاید اگر بر قضیب مالد قوی گردد اگر خایه او را در شراب
شکسته سه روز بگذارد و بر دارد و با روغن خردل بجوشانند و بر ناسور
کنند سود دارد اگر سرگین او را با آب باران در چشم کشند شب کوری
را ببرد اگر کسی سرگین او را با آب دهان بیاشامد از آن زخم محال الا ببرد
اگر استخوان او را با خود دارد از چشم زخم ایمن گردد خاصیت شارک
اگر کسی گوشت شارک را بخورد قوی گردد و دمه ببرد اگر زهره او را
با نوشادر در بر سر کشند موی سیاه کند والله اعلم اگر مغز شارک
در چشم کشند چشم بدرد نیاید خاصیت طوطی اگر پر طوطی در برج کبوتر
نهند کبوتران از آن برج بپرد اگر سرگین او را بر جراحت نهند سود
دارد اگر دیده طوطی زیر نگین خاتم دارد پیوسته در میان مردمان عزیز
باشد و بزرگان او را گرامی دارند و گناه او عفو کنند اگر چنگال طوطی
با آب غوره در چشم کشد ناخنه دفع شود خاصیت عوهق اگر استخوان
ساق عوهق با خود دارد همه خلایق محب او گردند باب چهارم در
خواص الاثمار خرما و انگور و سیب و انار و آبی و امرود و شفتالو

و انجیر و توت و جوز و نارجیل و بادام و فندق و فستق و قصب و شفید
و چلغوزه و غیره خاصیت خرما بدانکه طبع خرما گرم و تر است هر که بسیار 15
خورد خون سیاه و حرارت انگیزد ولیکن سده جگر کند و درد سر آرد
و دندان را زیان دارد از خارک گیسوان بگیرند و با کافور بسایند و در
بینی کنند که خون آید شفا یابد خاصیت انگور حکما گویند که انگور هر چند نو
هر چند که شیرین تر بود طبع او گرم و تر است انگورهای طایفی که اکثرا
و پوست و دانه باید انداخت که دانه او خشکی دارد چون پی این بخورند
منفعت یابند محمد زکریا گوید هر که پنج درم زهره گاو و ده درم غاریقون
در بیخ تاک بشکافد از انکه آب با خود کشد چون از آن تاک انگور خورد شکم
براند و صفرا افزاید انگور ترش سرد و تر است دل و جگر خنک کند مویز
سفید گرم و تر است و طایفی معده قوی کند و دل را انبساط آرد و مویز
سیاه گرم و تر است معده را قوی کند کشمش از همه لطیف تر است و
گرمی ندارد و بیخ رز اگر در شراب افکنند خوش رنگ کند چون انگور
بخورند سقفالو با مصطکی باید خورد تا دفع مضرت کند خاصیت سیب
سیب ترش سرد و تر است و شیرین گرم و تر خوردن سیب دل را

نشاط آرد و جگر را منفعت کند اگر سیب زیر بالین نهند در خواب نترسد
خاصیت انار انار شیرین میل بگرمی دارد و لطیف بود و نرمی آرد
و سرفه را ببرد و جگر را قوی کند و لیکن آب از شهوت نگاه دارد و شهوت
بنشاند و دماغ را تر دارد و بعضی گویند آب شهوت بیفزاید اما انار ترش
سرد و تر است و لطیف شکم ببندد و صفرا بنشاند و تپش دل و معده
و جگر را زایل کند تا قولنج آرد انار ترش و شیرین با هم آمیخته بخورند بهتر
باشد اگر در پهلوی درخت انار امرود نشانند بار بیشتر آرد از درختان
دگر خاصیت آبی اگر در پای درخت آبی سگ مرده انبار کنند نیک است
زیرا که طبع وی گرم و خشک است معده و جگر را نیک است اگر پیش از طعام
بخورند طبع سخت کند و تشنگی بنشاند بخاید و ثفلش را باید انداخت
تا دفع مضرت کند خاصیت امرود بدانکه امرود دو نوع است سیبی و کلابی
سیبی جگر را آب دهد و معده را خشک کند و طبع سرد و تر است و بعضی
گویند معتدل و کلابی سینه گرم کند و آنها که [illegible] میرانند چون بسیار
خورند معده را سست کند و قولنج و بادانگیز است و افراط قولنج
آرد اگر برگ او بکوبند و بر جراحتها بندند سود دارد چون امرود خورند

اندکی او زنجبیل پرورده باید خورد تا دفع مضرت شود خاصیت مشمش
16 سرد و تر است تشنگی بنشاند حرارت جگر و معده را ساکن کند و چون
بسیار خورند تب بلغمی آرد اگر برگ او را بکوبند و در جایی که کرم افتاده
باشد بنهند کرمها را بکشد اگر در خانه دود کنند مار بگریزد اگر برگ او
در میان جامه بنهند دیوچه اثر تباه نکند اگر برگ او خشک کرده دو درم
کسی بخورد که کرم داشته باشد در شکم بکشد اگر چوب او مسواک سازند
دندانها را سخت کند کرم دندان را ببرد و بوی دهان خوش کند
اگر مغز دانه او را در میان سرمه بسایند و در چشم کشند جراحت چشم را
زایل کند و سرمه نیکوتر نماید اگر سوخته بر ریش کنند ریم نکشد خاصیت
زردآلو بدانکه زردآلو طبع شفتالو دارد چون شیرین شود اندک مایه
گرمی دارد اگر مغز دانه او با زنگار و سیر بکوبند و با پنبه دانه پاره بر مقعد نهند
خارشش بنشاند اگر مغز او را بسایند تا روغن بیرون آید کسی که چیزی
در گوشش رفته باشد چون گوشش بر آن بنهند بوی آن بشنود بیرون
آید خاصیت انجیر طبع او گرم و نرم است کرده را قوت دهد آب شهوت
بیفزاید چون با فراط خورند شپش بسیار شود اگر ناشتا خورند فایده

Dr. CARO 19 ISFAHAN 35 MINASIAN

سدو زهرها را از تن بیرون برد و دل را قوی کرداند و بلغم ببرد اگر کسی را
سپرز باشد انجیر در سرکه اندازد و سه روز بخورد سپرز را داد و ر کرداند
آواز بگشاید و معده را قوی کند و شهوت بیفزاید اگر انجیر را در روغن
دانه زرد آلو اندازد و سه روز بخورند باد را ببرد و درد زانو را سود دارد
و اگر بجوشانند و آتش بر سر کنند درد شقیقه را ببرد که از سردی باشد
اگر کوفته بر پهلو چپ طلا کنند سپرز را ببرد و اگر با سرکه بجوشانند و در
دهان گیرند درد دندان را ببرد خاصیت توت طبع توت سرد و تر است
سینه نرم کند و اسهال آورد اگر آبش غرغره کنند خناق و درد گلو را
سود دارد و آنچه ترش باشد درد دل و جگر و معده را ساکن کند و خون
بنشاند خاصیت جوز بقراط حکیم گوید اگر مغز جوز با شکر بخورند از درد چشم
ایمن گردند تا سالی دیگر جوز گرم و تر است آب پشت بیفزاید و جوز خشک و
گرم است صفرا انگیزد و دهان بجوشاند و سده آورد و بخار زند دماغ دهد
خاصیت نارجیل گرم و تر است افراط سنگ مثانه و بادها و دیگر رگها
را سود دارد خاصیت بادام طبیعت بادام شیرین سرد و تر است
سینه را نرم دارد و درد دندان را نیک بود و دماغ را تری دهد و فربهی

اگر با شکر خورند آب پشت افزاید و تن فربه کند و گونه روی را نیکو کند
17 و لیکن افراط او معده گران کند و باد انگیزد و او را پوست باز کرده
باید خورد خاصیت فندق اگر کسی فندق خورد مجامعت را بسیار
قوت دهد اگر شاخ او بر گزدم گزیده نهند فایده کند خاصیت فستق طبیعت
او گرم و خشک است درد پشت که از تری بود سود دارد سده بگشاید
آب پشت و صفرا و خون بنشاند و بادهای سپرز را نیکو گرداند خاصیت
اسفیدار اگر خاکستر چوب اسفیدار بر جای گزدم افتاده بنهند گزدم ها را
بکشد اگر شیره او را در شراب بخورند بیهوش شوند خاصیت گز
طبع گز سرد و خشک است و از وی چیزی مانند عسل در تابستان قطره
قطره از شاخ او بر آید طبع آن سرد و تر است معده را قوت دهد
اگر طعام بسیار خورده باشد چون پاره از آن بخورد نیکو باشد اگر
برگ او را بکوبند و بر آماس نهند سود دارد اگر بیخ او در دندان مالند
درد را ببرد خاصیت نی نی را بتازی قصب گویند اگر در خانه نی را دود
کنند ماران بگریزند اگر بیخ نی را بجوشانند و موی بدان بشویند دراز
شود خاصیت خیار اگر پوست خیار را با گل فرز زنگار و کمیز مردم بکوبند

و در از رخ نهند نیک بود و ناسور را سود دارد اگر برگ او را در خانه دود
خفاش بگریزد خاصیت سنبل او را تبازی عبر اخوانند طبع او گرم و خشک است
اگر در میان میخوش زند مستی باز دارد اگر خورده کسی بخورد که طبع او نرم باشد
سخت شود خاصیت چلغوزه گرم و نرم است درد پشت و درد مقعد
که از سردی بود سود دارد خاصیت عناب طبع او سرد و خشک است
خون را تسکین دهد و درد سینه نرم کند و سرفه که از خون بود سود دارد
و خون بنشاند و چون در دست بگیرند و جای مالند خون را تسکین دهد
باب هجدهم در منافع درختان ثمره مشموم ترنج و نارنج و لیمو و مورد
و صنوبر و گل خاصیت ترنج پوست آن گرم و خشک است و گوشت
او گرم و نرم و ترشش سرد و خشک دانه او سرد و تر است پوست او دل
را قوی کند و معده را قوت دهد و نشاط افزاید و مغز دانه او زهر کشنده
را سود دارد چون بخورد خاصیت نارنج پوست او گرم و خشک است
اما ترشش صفرا بنشاند آب بشپ را ببرد مغز و پوست او زهر است روغن
او در موی مالند قوی کند و سفید نشود خاصیت لیمو لیمو سرد و خشک است
خون را تسکین دهد و درد سر که از خون بود بنشاند و دهان خوشبو

ند و معده را قوی سازد و خاصیت مورد طبیعت مورد گرم است
او حلقه کنند چون انگشتری و بر آماس نهند سود دارد اگر آب مورد
18 در شراب بخورند زود مست نشوند و بیدار شوند اگر برگ مورد و سنگ
با هم بسایند و در زیر بغل مالند گند بغل را ببرد و مورد با خطمی بپزند و سر
بدان بشویند بیخ موی را قوی کند اگر روغن دانه مورد و پسته مالند موی
را سیاه کند و جعد روشن کند و درد شقیقه ببرد خاصیت گل اگر با
در زمستان آب گرم در بیخ گل ریزند ممکن است که هر سال دو بار بشکفد
طبع گل سرد و خشک است خوردن او دل و معده را سود دارد و جگر
قوی کند و آب گل موی را سفید کرداند و هر که را صفرا بنشاند خاصیت
سرو طبیعت سرو بغایت گرم است اگر برگ او بخایند و دود کنند ماران بگریزند
و اگر چوب سرو خداوند درد شقیقه دود کند شفا یابد خاصیت صنوبر
اگر زن بخورد بر گیرد حاجات را بغایت خوب باشد و قطرانی که از صنوبر بر آید
اگر زن بر دارد آبستن نشود باب ششم در منافع شجر غام نرگس
و سوسن و لاله و یاسمن و شاهسپرم و نیلوفر و خیری و مرزنگوش
و بنفشه و آذرگون و تفاح و نسرین خاصیت نرگس طبع او معتدل است

...یل بلغمی دارد دماغ را قوت دهد و چشم روشن گرداند و اگر زنی
نرگس با بینه بعد از مجامعت کردن برگیرد زهدان به بندد و هرگز آبستن
نشود اگر در چشم کشند شب کوری را ببرد و اگر نرگس را بکوبند و آتش
برزنند مار طلا کنند بسختی داء الثعلب را بکشاید خاصیت سوسن طبیعت او گرم و خشک است
بلغم را بگدازد ولیکن دماغ گرم را زیان دارد و سوسن سفید درد شقیقه
را سود دارد و سوسن آسمانی گونه معده را قوی کند سستی و ضعیفی
را ببرد اگر بکوبند و در گوش چکانند کری را سود دارد خاصیت لاله در
لاله نگریستن چشم را روشن کند اگر آتش با شکر خورند صفرا ببرد
و طبع نرم کند و تب ببرد و سرفه را نیک بود اگر کسی را درد چشم بود
و آماس گیرد لاله با گلاب و بنفشه بکوبند و بدان طلا کنند درد و آماس
بنشاند اگر لاله بر سر نهند درد بنشاند خاصیت تفاح اگر تفاح را
در مجلس نهند چنانکه بوی او مردم بشنوند زود مست شوند اگر پوست
بخورند بر آتش نهند همین فعل دارد و چون مار بیمار شود بوی آن بشنود
درست شود خاصیت یاسمین طبع یاسمین گرم و خشک است باد را بشکند
و دماغ را از رطوبت پاک کند روغنش درد سینه‌ها را نیک کند اگر تر او را

19

ببرد و خشک کنند و با سیر بکوبند و بر کلف کنند ببرد خاصیت شاهسپرم
لطیف است چون گلاب بر وی فشانند بوی خوب و نشاط دل آرد و دماغ
را قوت دهد و درد شقیقه را ببرد و چشم روشن کند و اگر بکوبند و در آماس
مالند که از سردی بود سود دارد و اگر بجوشانند و آب او در مقعد کسی
که بیرون آمده باشد مالند باز بجایگاه رود و اگر یک مثقال با روغن گل
بریان کنند و هر روز بخورند خون از شکم باز دارد اگر برگ او با مغز
دانه شفتالو شیاف کنند و بر دارند زهدان گرم شود خاصیت مرزنگوش
اگر مرزنگوش زیر بالین کسی نهند دیر بیدار شود و اگر آب مرزنگوش
در بینی فرا او اند فالج کنند سود دارد و رعشه و صرع و هر علتی که از رطوبت
بود دارد و ببرد خاصیت بنفشه طبیعت او سرد و تر است درد سر بنشاند
و طبع نرم کند چون بخورد صفرا کند اگر بر علتی طلا کنند آماس و دردها
را ببرد و بوئیدنش گرمی و خشکی مغز بنشاند و خواب آرد و درد دل
را بنشاند و تب گرم را سود دارد خاصیت آذرخون هر که آذرخون
ببوید هر چه درد دماغ وی بود بیرون آید اگر گل آذرخون بخورد خون صافی
کند و برگ او سر شوئی سود ببرد خاصیت نسرین طبع

Dr. CARO 1935 ISFAHAN MINASIAN

[illegible] گرم و خشک است چون مصروع بویی کند فایده کند و صرع باز دارد
خاصیت نیلوفر چون بخورند و ببویند مستی باز دارد و گل او بخورند خون را
صاف کند و چون بکوبند و بر روی کشند نشان آبله ببرد و چون بسایند
و ببویند معده را قوت دهد و درد سر ببرد و خواب خوش آرد اگر بجایی
نهند که خون آید باز دارد خاصیت خیری بر مقعد خد او بواسیر را مالند ببرد
اگر تخم او در خون نهند و روغن زیت بر نهند بگیر بیامیزند و زن بر گیرد حیض
ببرد نزدیک او شود آبستن نشود باب هفتم در منافع فالیز خربزه و کدو
و بادنجان و ترب و پیاز و سیر و چغندر و گزر و شلغم خاصیت خربزه
خربزه تابستانی گرم و تر است همه کس را موافق باشد با پیاز در یایی
پیاز و ارست و لیکن بسیار انگیزد از پی او زنجبیل پرورده خورند
نیکو کند خاصیت ترنز سرد و تر است دل و جگر را قوی کند و کام
فرزند را نیک بود و تشنگی بنشاند و چون از پی او طعام خورند
معده را بپالاید اگر کودک را تب آید خربزه بد است ازو دهند
تب را ببرد خاصیت کدو سرد و تر است درد سر زایل کند و تب
گرم ببرد و تپش معده و جگر ساکن کند آب برگ او اگر بر آماس

گرم نهند

[illegible stamp]

گرم نهند سود دارد و اگر تخم کدو با شکر بخورند مجامعت را قوت
و اگر تخم او سه روز در روغن کنجد کنند و بکارند کدوی پیدا نه برآید
اگر پوست کدو در خانه دود کنند مار بگریزد اگر پوست کدو کهنه با روغن
و زعفران بسایند و بر کلف کشند ببرد خاصیت بادنجان طبع او
سرد و خشک است هر که بافراط خورد سودا پدید آرد و درد سر که
سه روز پیوسته بادنجان خورد بیم آن است که دیوانه گردد و سودا و
و سرفه انگیزد و بادنجان شامی علت کمتر دارد با روغن کنجد باید خورد
اگر یک بادنجان با خیار بکوبند و بر پای بندند جراحت ها را زایل کند
خاصیت ترب طبع ترب خشک است اگر ناشتا بخورند بلغم ببرد و معده
را قوت دهد اگر تخم ترب و روغن کنجد در هم سایند و در ذکر مالند محکم
کند اگر خشک کرده در خانه دود کنند کژدم بگریزد اگر بکوبند و بر بهق
مالند ببرد و اگر در گوش چکانند درد را ببرد اگر تخم ترب با سرکه و سیر
بر بهق مالند سود دارد خاصیت پیاز سرد و تر است هر که پیاز خام بسیار
خورد باه را زیاده کند اگر پیاز با آتش بریان کنند و بر ناسور نهند سود
دارد و اگر [illegible] کنند و بخورند بلغم را دور کند اگر پیاز خام بسیار خورند

م ماها را پاک کند اگر پیاز در درد دندان مالند خون باز گیرد و عیب دندان ببرد و اگر آب
پیاز در چشم کشند شب کوری را ببرد و اگر آب پیاز در سرکه کنند و بر تن مالند موی را
سود دارد اگر تخم پیاز با روغن گل بریان کرده بخورند باد از خایه ببرد خاصیت سیر
سیر از جمله تریاق است اگر کسی مار گزیده بود دانه سیر بد و نیم کنند و بر آنجا
نهند درد بنشاند اگر خارش مقعد شیافه کنند سود دارد سیر خوردن بوی
دهان خوش کند و بلغم از معده پاک کند و لرزیدن دست و پای ببرد لقوه
را نیک بود طبع او گرم و خشک است اگر سیر در آتش افکنند تا پخته شود تو ابر
و درد ناف را سود دارد خاصیت چقندر چقندر سرد و تر است بیخ او در چهار
ساعت در شراب افکنند ترش گردد چون آب برگ بپزند سر بدان بشویند
موی سخت کند و هر که بسیار خورد بر و سینه نرم کند و سرفه ببرد و قولنج را زایل
دارد خاصیت کندر طبع او گرم و نرم است اگر پخته بناشتا خورند آواز نکو کند
و سرفه ببرد و محرور ذکر با گویند اگر کسی خوردن عادت کند اگر ده کنیزک و استر باشند
همه خشنود شوند اگر بجوشانند و آبش با انگبین بخورند شهوت را قوت دهد اگر تخم
او زیر زن دود کنند که کودک در شکم او مرده باشد بیفتد اگر آب کندر در خود
مالند خارش اندام ببرد خاصیت شلغم هر که شلغم پخته بناشتا بخورد سینه نرم

سرفه را دور کند و آواز نکو باید شلغم پخته بر سر تا بر خوکی نیک بود
را نگوشت پخته نخورند شهوت افزاید و روشنایی چشم را سود دارد اگر
21 آب در خود مالند گری را ببرد اگر پخته در پای خود مالند بیرها را و درد کردن
را نیک بود خاصیت عنصل اگر عنصل را البا نیده و در باسور مالند فرو هم
و باطن را نیت کند باب بیست و هشتم در منافع خضریات بقول کاسنی بادروج
کندنا کاهو سداب کرفس فرفخ گشنیز نعناع اسفناخ تره تیزک بنجواره
اسپیدان سماروغ طرخون رتیاس سعتر خاصیت بادروج اگر
آب بادروج با سرگین کبوتر در گرما بر خود مالند گری را دور کند آب او با خون
حیض بر پهلوی چپ طلا کنند سپرز را سود دارد اگر زهره خرگوش را با آب
بادروج در گوش چکانند پلیدی از گوش ببرد خاصیت کندنا اگر کسی
کندنا بسیار خورد خام او را دهانش ناخوش شود و دندان معیوب کند
و لیکن قضیب را سخت کند اگر تخم کندنا در سرکه افکنند تیز شود سرکه را دود
کنند اگر کندنا در بینی افکنند خون باز گیرد طبع کندنا گرم و خشک است خاصیت
کاهو سرد و تر است خواب آورد و درد سر بنشاند و سرفه ببرد و نزله فرو کام و
درد شکم و درد گوش را که از گرمی بود نیک است ولی چون بسیار خورند آب

[illegible] را ببرد و تاریکی چشم آورد اما معده را قوی کند و اگر از قضیب [illegible]
چون سه روز بخورند خون را باز دارد خوردن او صاف کند اگر آب او با کافور
در بینی چکانند درد سر را زایل کند و بادها را بشکند خاصیت سداب طبع
سداب گرم و خشک است طعام بگوارد و بادها را بشکند و بلغم بنشاند
ولیکن آب پشت ببرد اگر بسیار خورند خون سوخته انگیزد و شهوت ببرد اگر کسی
را مار گزیده باشد برگ سداب و برگ انجیر و مغز جوز کهنه هر سه بیکجا کرده بکوبد و
بخورد بروزه هر کار نکند و بجای تریاق کار کند اگر کسی را معده درد کند یک [illegible]
سداب بخاید نافع باشد اگر زنی را حیض بسته باشد یک درم آب سداب و یک درم
روغن جوز بخورد حیض بگشاید اگر سداب با موبز بکوبند و در دندان گیرند درد دندان
ساکن گردد اگر سداب با سرکه بجوشانند و کرباس تر کنند و بر پهلوی چپ طلا
کنند سپرز را و درد پهلو را ببرد اگر کسی را خوره باشد پنبه با آب سداب تر
کنند و بدانجا نهند نافع باشد اگر آب سداب و آب گشنیز بجوشانند و در چشم
کشند شب کوری را ببرد خاصیت کاسنی طبع کاسنی سرد و خشک است
سده جگر و تبهای گرم محرق را و درد سینه و حرارت و معده و جگر را ساکن
کند خاصیت گشنیز طبع گشنیز سرد و تر است تبهای گرم را نیک بود اگر گشنیز تر

با بیخ نی

با بیخ بی زن [illegible] حبس بردارد زادن آسان شود چون فارغ
باید تنگ شاید که زیان دارد اگر گشنیز اندک خورند خون صاف کند چون
22 بسیار خورد بسیار خورند حفظ کم شود و جماع را سست دارد اگر بکوبند و بر
آماس نهند درد بنشاند اگر تخم او را بر آتش نهند و پاره پنبه کهنه که شیر
دختران بروی [illegible] و بر سر آتش بدارند و بدود گشنیز تا آن
پنبه زرد شود کسی را که درد چشم بود بینند شفا یابد اگر تخم او با برگ
بریان کرده بخورند درد معده را ببرد و جگر قوی کند خاصیت صنوبر اگر برگ
صنوبر اندر لحاف افکنند کیک بگریزند و اگر برگ او در خانه دود کنند همچنین
خواص مرده خاصیت نعناع طبع او گرم است بلغم را سود دارد و خشک او
معده قوی کند و از معده اسهال ببرد و در طعام خوردن او روشنایی
چشم را زیان دارد اگر نعناع دشتی با نان خورند بلغم ببرد و بادها را
زایل کند اگر نعناع با زهره بره خورند کرم شکم را بکشد و خشک کرده تا به
مرغ بخورند اندوه دل ببرد اگر با شکر بجوشانند و طلا کنند بر پهلو درد ببرد
خاصیت اسفناخ اسفناج سرد و تر است درد سر و تشنگی را بنشاند
و طبع گرم کند اگر بر چشم سرخ شده طلا کنند شفا یابد خاصیت راسن

[illegible] م او خشک است باد فم ببرد و معده قوي کند و طعام بگوارد اگر برزني
کنند که بچه در شکم مرده باشد جدا شود اگر بخورند بلغم را ببرد اگر بجوشانند و
با انگبین هر روز یکمثقال بخورند ریگ از مثانه پاک کند اگر زني را حیض بسته
باشد چون را انسن با روغن جوز بخورد بگشاید خاصیت نانخواه طبع او
گرم و خشک است چون با شکر بخورند کوفته معده را قوي کند و طعام بگوارد
و بادها را دور کند و کرم را بکشد و بلغم ببرد و بوي دهان خوش کند و آب
رفتن از دهن باز دارد و سده بگشاید و ریگ از مثانه پاک کند و باد خام را
ببرد و درد مقعد را بنشاند و باد مخالف ببرد و شهوت افزاید و جگر قوي
کند و طعام آرزو کند و کسي که آب تاختن بسیار خورد سود دارد خاصیت
سپندان طبع او گرم و خشک است هر که بکار دارد سده را بگشاید و زنها را گرم
کند ریگ از مثانه پاک کند اگر بکوبند و بر بهق مالند سود دارد اگر سه روز یکمثقال
با روغن گل بریان کنند و با نان گرم بخورند ریش درون مقعد را ببرد خاصیت
سماروغ سه گونه است یکي دشتي و یک زیر خم شراب اگر دشتي را
بخورند تن را فربه کند و اگر زیر سرگین بود باد را بکشد و کرم از شکم براند
و زنگ بسوخ کند خاصیت ترخون طبع ترخون بعضي گویند گرم است و بعضي

گویند سرد و خشک است اما در خشکي خلاف نیست دردها را نیک است بیخ د[illegible]
سخت کند و دهان را خوشبوي کند اگر کوفته بر زخم کژدم گزیده مالند درد [illegible] نشاند
اگر با نان بخورند معده را قوي کند و سده بگشاید و خون صاف کند اگر بر
دندان مالند خون باز گیرد و عیب دندان ببرد خاصیت ریباس سرد
و خشک است صفرا بنشاند و زهره را قوي کند و خون صاف کند و جگر را
سود دارد بلغم و درد سر و سرفه را ببرد شراب او قوت آرد و تب را ببرد
و تشنگي بنشاند و خون از قضیب باز گیرد اگر تخم او با روغن کتان بجوشانند
و در گوش چکانند کري را ببرد خاصیت سعتر گرم و خشک است بلغم را
ببرد و علتها که از سردي بود سود دارد اگر با سیر کوفته خورند معده
را قوي کند و بادهاي سرد بشکند باب نهم در منافع غلات گندم
جو و باقلي و نخود و برنج و حلبه و کاورس و لوبیا و ماش خاصیت گندم
طبیعت او معتدل است گرم و نرم است و طبع نشاسته گران است و سبوس
و پوست گندم گران و با قوت است اگر گندم بر کودکي زرد شده بنشانند و جاي
بر آتش گرم کنند مرغ که از آن بخورد بیفتد خاصیت جو طبع جو سرد و تر است
و پوست او خشک است تشنگي را بنشاند و سینه نرم کند پوست جو و [illegible]

با روغن جوز طلا کنند باید که کرم از شکم برانند خاصیت باقلی طبع او
گرم و خشک است اگر روغن چراغ با جامه بر سر باقی با باقلی شویند ببرد با [illegible]
را پزند گرم و نرم است و جماع را قوت دهد و تب ربع را سود دهد خاصیت
نخود گرم و نرم است خوردن او و آب پشت افزاید و لیکن صفرا انگیزد و کوفته
جگر را سود دارد اگر برگ او در آب سوراخ بار نهند ببرد و خاصیت [illegible]
ببرد و قوت است صفرا بنشاند اگر عدس با سرکه خورند تب را ببرد و گرده را
قوت دهد و دل را روشن کند و آب چشم بسیار کند آواز بگشاید سرفه
ببرد خاصیت برنج در طبع برنج اختلاف است در گرمی و سردی اختلاف
منفعت تن را قوی کند بسیار خورند معده را بیالاید اگر روی را آب
برنج شویند شفاف سازد خاصیت حلبه طبع حلبه سرد و خشک است باد
انگیزد و سودا غلبه کند و لیکن خون را تسکین دهد و بر دل مالند فایده
کند خاصیت لوبیا اگر لوبیا با جو بپزند و آب او با کسیر گرم بخورند درد شکم
را دفع کند خاصیت کاهو سرد و خشک است و چون با شیر بپزند
شکم ببندد و خشکی را ببرد خاصیت ماش طبع او گرم و خشک است [illegible]
تر شدن ببرد و خون تسکین کند و درد چشم و تب محرق را سود دهد

باب [illegible] هم در حبوبات رازیانج و خردل و حرمل و شونیز و زیره و نبک و
و تودری و [illegible] ماو [illegible] و شاهدانه خاصیت رازیانج طبع او گرم است
بول بگشاید و بادها بشکند و بیماریهای دیوانه را ببرد رازیانه با زنجبیل بخورد
فهم تیز کند و شیر بیفزاید آب در سرمه کنند و در چشم کشند روشن کند
خاصیت خردل اگر خردل را بکوبند با سرگین بوم و بر جایگاهی که موی بکنده
باشند مالند دیگر موی بر نیاید اگر خردل و رازیانج با شیر تر کنند و بر روی
مالند روی را سرخ کند خاصیت حرمل گرم و خشک است بلغم را ببرد و زنان را
حیض بگشاید اگر بر آماس نهند که از سردی بود سود دارد خاصیت شونیز
اگر هفت دانه شونیز در سرکه نهند کماج و شبانه بخورند تا هفت روز سپرز
را ببرد اگر بکوبند و با شیر بیامیزند هر جا که مالند موی ببرد خاصیت زیره
اگر زیره بر روی مالند زرد شود اگر در خانه دود کنند [illegible] بگریزد اگر [illegible]
افتد بزیره بشویند پاک شود اگر [illegible] بیند و در خانه مورچه ریزند مورچگان
بمیرند خاصیت نبک گرم و نرم است بیخ نبک قولنج را سود دارد خاصیت
خشخاش طبع او گرم و نرم است بسیار خوردن تن را فربه کند و معده
را قوت دهد خاصیت تودری گرم و نرم است آتش شهوت افزاید و شکم را [illegible]

بر دو خاصیت ... ما سرد و تر است اگر با گلاب خورد تب گرم را سود دارد و درد
سینه را نرم کند و فرسودگی دوند کان را سود دارد خاصیت گشنیز اگر موی
را با برگ گشنیز بشویند روشن کند و طبع او گرم است گشنیز اگر موی با برگ آن
بشویند روشن کند گشنیز بر پای حیض را بگشاید و کودک مرده بیفکند خاصیت
شاه دانه هر که دود کند کیک بگریزند و طبع او گرم و خشک بود بلغم را ببرد
و صفرا انگیزد و تشنگی آرد و شکم سخت کند و آب نشیت افزاید باب یازدهم
در منافع حشائش حی العالم و عنب الثعلب و عصفر و درمنه و سوسن
و بستان افروز و کاکنج ه خاصیت حی العالم دو
شخص در دست گیرند چنانکه میان دست هر دو باشد شیر آنجا نرود خاصیت
سوسن طبع او سرد و تر است دماغ را سود دارد اگر بیخ سوسن با خود
دارند خواب باز دارد اگر برگ او در خانه دود کنند کیک بگریزند و اگر شاخ او
زیر کیسه دود کنند جماع نتواند کرد اگر بر پای زنی بندند از حیض پاک شود
خاصیت کاکنج اگر کاکنج در دست مالند و مار را بگیرند گزیدن نتواند مار از و
حذر کنند اورا اینار سیب زر کوهی گویند اگر یک درم بیخ او و یک درم فلفل و بیخ درمنه
و برگ سعتر و بازمهره کوفته ... بنید و در چشم کشند شب کوری را ببرد اگر خاصیت

اودولفک

اودولفک دریا در موی مالند زنگ شود باب دوازدهم در منافع صمغ‌ها
و مومیائی و اشق و علک رومی و کندر و صمغ عربی و صمغ الحاط
صمغ سقمونیا صمغ افیون و سندروس و کهربا و صمغ عاقرقرحا
و صمغ صنوبر و صمغ زردآلو و صمغ الخوخ و صمغ بیرقوج و صمغ
سفرجل و صمغ خاصیت مقل طبع مقل گرم و تر است قولنج بگشاید و
بواسیر و دردهای نهانی را سود دارد خاصیت مومیائی طبع او
گرم و نرم است کوفتگی را سود دارد خاصیت اشق گرم است تن را
گرم کند و فربه سازد و زنگها پاک کند خاصیت صمغ عربی سرد و خشک است
شکم را ببندد و تن را فربه کند خاصیت کندر گرم و خشک است بر و باند
ریشها و شکم بدان باز دارد سینه و دل را سود دارد خاصیت علک
رومی سده دماغ را بگشاید و مغز قوی کند طبع صمغ الحاط نیک بود
جراحتها را درست کند طبع سقمونیا جذب صفرا کند سقمونیا با نکبیس در
ذکر مالند لذت حاصل شود طبع افیون با سرکه بر گزندگی زنبور نهند
درد ساکن کند طبع سندروس بیمارانک بانکوانات صمغ ترنج بر ...
دود کنند سود دارد طبع کهربا اگر زن آبستن کهربا با خود دارد سود دارد

سبز با خرو کمس بسایند و بر دنبل مالند باز گردد و صفرا از معده پاک کند و [illegible]
جگر را بگشاید و بریشش گوشت بر رویاند و آب انگیزد و نجابت گرم است و
با انگبین بخورند تب ربع را ببرد و تب لرزه را سود دارد چون از گردن
بیاویزند ریش گردن را سود دارد و طبع را بگشاید و [illegible] را سود
دارد و آتش بر گزدم گزیده نهند سود دارد عاقر قرحا نیم درم با نیم درم صمغ
عربی با خود دارد دوستی افزاید [illegible] گردد دانگ صمغ صنوبر دو دانگی صمغ
شقاقلو بر [illegible] بخورد دود کنند [illegible] سود دارد اگر دانگی با نیم دانگ صمغ زرد او
بمار گزیده [illegible] سود دارد اگر صمغ الخوخ دانگی با دو درم صمغ صنوبر [illegible]
صاحب جنون را دود کنند فایده کند اگر از صمغ آلو دانگی و نیم و صمغ [illegible]
با خود دارد و یا بر موی مالد هیچ زن او را نه بیند که از وی مجامعت او
نکند اگر صمغ سفرجل دانگی تا پنج دانگی بکوبند و در آب کنند و [illegible]
را دهند شفا یابد اگر صمغ السارح دانگی و صمغ اسفاناخ دانگی [illegible]
سعال دهند قدیم و جدید را ببرد باب سیزدهم در منافع جواهر لعل و
یاقوت و زمرد و پیروزه و لاجورد و جزع و جمست و عقیق و مروارید و
صدف اگر لعل آبدار باشد دیدن او روی را سرخ کند و چشم روشن

کنند و زردی ببرد یاقوت را در آتش بسوزند و ببویند از آتش [illegible]
آید زمرد خوب باز دارد و اگر زعفران با زمرد در چشم کشند روشن
کند اگر زمرد را در چشم افعی کشند روشن تر و آبدار تر شود قیمت او
بیشتر شود اگر جزع نزدیک زنی نهند که بزاید بی درد از وی جدا شود
اگر جمست بر نقرس بندند درد ببرد اگر بکوبند و بخورند معده را قوی کند
اگر خداوند صرع با خود دارد سود کند اگر جمست بر پای بندند نقرس را
سود دارد اگر زن آبستن با خود دارد بچه وی نیفتد در محل خویشتن
بر آید اگر بیجاده صاحب یرقان بر خود بندد سود دارد اگر زیر بالین [illegible]
نهند [illegible] بیدار شود اگر برای درد دل مروارید را کوفته بخورند سود دارد
اگر مروارید [illegible] ترنج نهند نرم شود اگر پاره صدف بر کودک [illegible]
[illegible] بیدار [illegible] اگر خورده کرده در سوراخ [illegible] نهند [illegible]
باب چهاردهم در منافع احجار که از معدن زر و سیم و [illegible] آهن
[illegible] اگر اندر [illegible] سازند و در چشم مصروع کشند
فایده کند و چشم روشن سازد و طبع وی گرم و معتدل است طالع
آفتاب دارد اگر سیم زرد در زیر بالین کسی نهند خوابش بگیرد اگر [illegible]

یم با سرکه بیامیزند و خوش برکیرد هرکز آبستن نشود طبع او سرد و تر ا
از جواهر ماه است اگر سنجاله مس در شوربای ریزند همه با هم برخیزد از جواهر
زهره است طبع او سرد و معتدل است اگر سنجاله آهن گرم کنند و در دیگ
کوبند خشک نشود اگر سنجاله آهن کسی با خود دارد در خواب نترسد طبع او
گرم و خشک است طالع مریخ دارد اگر کسی پاره سرب در شکم نهند [illegible]
را منع کنند از جواهر زحل است طبع او سرد و خشک است اگر از ارزیز ظرف
ساخته از درخت آویزند بسیار آورد هیچ نیفکند از جواهر مشتری است
طبع او گرم و نرم است روی سرخ کنند اگر سنج درو درم و یک درم
لادن و نیم درم کندم سفید بکوبند و در روغن زیت کنند و بر آتش نهند
تا همه بیزد انگاه روغن صاف کنند در موی مالد سیاه شود باب یازدهم
در منافع احجار سوده حجر الدم حجر النسر حجر البشان حجر السود
حجر النوم حجر الخل حجر الحدید حجر الذهب حجر الفضة حجر الیهود اگر حجر الدم
در اندام مردم خون جسته [illegible] طلا کنند سود دارد اگر کسی را یرقان
باشد آن کس سنگ یرقان با خود دارد جذب یرقان کند اگر حجر السود
[illegible] سود [illegible] نفع باشد اگر زنی حجر الصفا [illegible]

او هیچ نوع نیفتد اگر حجر النوم با خود دارد خواب گران بکند حجر الخل در میان
باشد جوش در میان سرکه آغاز بود برخیزد حجر الحدید و آن مقناطیس است [illegible]
آهن کند حجر الذهب بر خضاب [illegible] زر
کنند حجر الیهود سنگیست که در فهم ما نمی آید جون با شیر [illegible] بخورند ریگ
مثانه پاک کند باب شانزدهم در منافع احجار معدنی طلق شب سرمه
زراج قلقند نمک قشیشا کفور بامتیا اگر معادر سرکه افکند و بر زخم
که بیره نهند سود دارد و اگر طلق محلول و شب یمانی و مغز زرد آلو با هم بسوزند
و بر روغن گاو طلا کنند درد ها را نافع باشد اگر شب یمانی در شراب افکند آب
از وی جدا کنند اگر زن سرمه را با سرکه بردارد آبستن نشود و اگر کودک دارد
بیفکند والله اعلم بالصواب تمت بعون الملک الوهاب در سنه یکهزار
و دو صد و چهل هجری شهر جمادی الاولی.

[illegible]
با شهد بقدر یک درم حب بسته صبح و شام خورده باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل هفتاد و سیوم در صاف کردن و کشتن دهاتها و ابدانها و جواهر و
مانند آن بدانکه زر و نقره و مس و برنج هر کدامی را که صاف کردن خواهند
تیز با نمک ساخته گرم کنند و در سرکه هندی سرد سازند تا سه بار این عمل
بکار بندند باز بدین طریق سه کرت در روغن کنجد و سه کرت در دوغ و سه کرت
در بول ماده گاو و سه کرت در جوشش کلثی سرد سازند صاف گردد

عمل کشتن چون خواهند که زر را بکشند یکحصه ورق زر دو
حصه سیماب بستانند در کهرل انداخته با شیره لیمو یا ترشی املی سحق
کنند تا آنکه هر دو یکذات گردند آنگاه بمقدار این هر دو چیز گندهک که آن
را صاف کرده باشند یا کنند باز در شیره مذکور سحق کنند و غلوله بسته در شرابه
گلین نو انداخته و بالای آن شرابه دیگر نهاده بگل حکمت در گرفته بیست
یا چهل دشتی بازش دهند و باز در شیره لیمو گندهک سحق کرده تپهای مذکور
بدهند و همچنین تپهای مذکور بدهند تا آنکه چهارده تپ تمام شود بدین
عمل زر مذکور کشته گردد نوع دیگر بمقدار زر خالص در بوته انداخته
مذاب سازند پس اسرب که شانزدهم حصه آن بود در روی او ریزند

چون هر دو یکذات شوند بعد سرد گشتن در کهرل اندازند و همچند آن گندهک
پاک کنند و شیره لیمو و مانند آن سحق کنند و غلوله ساخته در شرابها اندازند
و یک شرابه بالای آن نهاده بگل حکمت در گیرند و بیست عدد یا چهل دشتی آتش
دهند و بعد سرد شدن کشیده و باز گندهک که همچند آن باشد باز دیگر باز
کرده در کهرل انداخته با شیره لیمو و مانند آن سحق کنند و غلوله ساخته در میان
شرابه بدارند و شرابه دوم بالای آن نهاده و بگل حکمت در گرفته در
سی و دو عدد یا چهل دشتی آتش دهند و هم بدین طریق و ترتیب
تپهای مذکور بدهند تا آنکه هفت تپ تمام شود بدین عمل زر کشته گردد تمام
نوع دیگر ورق زر یک حصه سیماب صاف کرده دو حصه بستانند
و در کهرل انداخته چهار پاس سحق کنند تا آنکه یکذات شوند آنگاه
گندهک صاف کرده که هم چند این کجلی باشد داخل کنند و با جوشش پوست
کچنار چهار پاس سحق کنند و غلوله سازند پس در بوته که آنرا از پوست
کچنار ساخته باشند نهند و سر پوشش آن بوته هم از پوست
کچنار ساخته بر آن نهاده بگل حکمت در گرفته و خشک کرده تا آتش تیز
که انگشت او از چوب ... یا از چوب کهنا یا املی سازند بدهند

و بعد سرد شدن کشیده و باز کنند یک دیگر که همچنان تا چشم باید کرده و کو
کچیا سحق کرده و غلوله ساخته در بوته که از پوست کچیا به باشد در آن نهند
و سر بوته را نیز از پوست کچیا ساخته و بر آن نهاده و بگل حکمت
درگرفته آن را خشک کرده اند باید با آتش زغال که از چوب کیکر باد ...
و مانند آن بود دوم مرتبه تب دهند و همچنین یک تب دیگر بدهند تا ده
تبها از مذکور همگی سه عدد شوند زر کشته گردد و اگر بجای خوشه بوته کچیا
جوش و بوته از پوست گرمازنی یا حالا ملکی استعمال کنند بدین عمل
زر کشته گردد [illegible] تو عدد یکی طبقهای زر بستانند و به مثقال کوتن یا تقالی
ماکیان تلحیف کنند و سحیق کنند آنگاه در شرابه قدری قدری قرار کنند
پس بر آن یک ورق زر مذکور بنهند و دوم شرابه بر آن نهاده و بگل
حکمت مهر کرده خشک ساخته به پنج عدد یا چک دشتی هشت تب بدهند
و دهمی تب سی عدد یا چک دشتی تب مذکور بدهند و بیا [illegible]
[illegible] بستانند بدین ترتیب زر کشته
گردد عمل کشتن نقره سه حصه ورق های نقره یک حصه زرنیخ بستانند
[illegible] زرنیخ مذکور را در کهرل انداخته با ترشه لیمو یا انبلی تا یکپاس سحق

کنند بعده طبقهای مذکور را بدین سحیق زرنیخ تلحیف کنند و در شرا
نو نهند و شرابه دوم بالای وی نهاده مهر کنند و بگل حکمت درگیرند
پس خشک ساخته با آتش سی عدد یا چک دشتی تب بدهند 29
و هم بدین طریق چهارده تب دهند نقره کشته گردد [illegible] تو عدد یکی
ورقهای نقره یک حصه سوهاگه چهار حصه بستانند و این سوهاگه
را در شیره زقوم تا یکپاس سحق کنند پس ورقهای نقره را
بدین سحیق تلحیف کرده در شرابه بنهند و شرابه دوم بالای او
نهاده بگل حکمت درگیرند و در میان آتش سی عدد یا چک دشتی
تب دهند و هم بدین طریق تبها تا چهارده تب بدهند نقره کشته گردد

Dr. CARO ISFAHAN 1935 MINASIAN

30

BLANK PAGES

58

foliated 1/31/99 G.O.

BLANK PAGE

19.7.49

UCLA

END OF REEL
PLEASE REWIND

UCLA Reprographic Service